

گفت و گو با رهبر قنبری، نویسنده و کارگردان فیلم «اینان»

مردمی‌ترین کارگردان سینمای ایران هستیم

رهبر قنبری، کارگردان، مستندساز، نویسنده و تدوینگر سینما، دانش‌آموخته مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی است. این فیلمساز فعالیت خود را در سال ۱۳۶۶ با کارگردانی یک فیلم کوتاه آغاز کرد. او سال‌هاست که تدریس می‌کند، شعر می‌گوید، فیلم‌نامه می‌نویسد و مستند می‌سازد. رهبر قنبری،

مریم ضیفی محمدی
گفت و گو

«پرنده‌باز کوچک» اولین فیلم سینمایی خود را در سال ۱۳۸۰ ساخت و اکنون آخرین ساخته سینمایی‌اش، «اینان» روی پرده سینماهای گروه هنر و تجربه است؛ فیلمی که با جمعی از بازیگران جوان تازه‌نفس پایتخت و خراسانی در مشهد ساخته شد. «اینان» داستان عماد، یک جوان ۳۰ ساله را روایت می‌کند که برادرش نیازمند اهدای عضو است. عماد برای یافتن عضو پیوندی راهی مشهد می‌شود اما این سفر طولانی و غیرمنتظره تجربیات و آشنایی با افراد زیادی را برایش در پی دارد که باورهایش را به چالش می‌کشد و عشقی زمینی او را به درکی تازه از زندگی می‌رساند. فیلم سینمایی «اینان» به کارگردانی رهبر قنبری و تهیه‌کنندگی علی‌برادری و بابازی‌علی‌برادری، الهه جعفری، صبا سهیلی، سپیده آرمان و مرتضی قراغلی در گروه سینمای هنر و تجربه از نیمه آذرماه‌اگران خود را شروع کرد. روزنامه‌سبانه بهانه‌اگران «اینان» بارهبر قنبری، نویسنده و کارگردان این فیلم، گفت‌وگویی انجام داد که در ادامه می‌خوانید.

حق زیارت تدارتد و زمانی می‌توانند به زیارت بروند که کل گناهان‌شان پاک شده باشد، در این شرایط ذات خود انسان مطهر و پاک می‌شود. بر این اعتقاد که آن چه که آزار دهنده است ماجرای شریعت است؛ شریعت امری تعبیری و تفسیری از تاحیه دیگران است و وقتی انسان خودش پاک می‌شود، ذاتش توراتی می‌شود. کلیت داستان «اینان» همین بود و شما در اول داستان می‌بینید که من یا تو را فیلم را شروع می‌کنم، به عنوان نور لهی و طبیعت تاب. کاراکتر اصلی قصه من به مشهد و به حرم امام (رضاع) می‌رسد که قضای عالمات و عازقانه دارد، در این قضا همیشه جای خطا هست اما در کار خدا خطا نیست. این جابود که گنهکاران را وارد قصه کردم و قصه‌ها را در هم پیچیدم.

انتخاب بازیگران فیلم به خصوص هنرمندان مشهدی بر چه اساسی صورت گرفت؟

معمولاً از بازیگران حرفه‌ای در فیلم‌هایم استفاده نمی‌کنم و ضمن احترام بر ایشان، کاری با آن‌ها ندارم. بازیگران خوب هم اکنون نمی‌فروشند به طور مثال قیلمی کم‌دی روی پرده است اما نمی‌فروشد. فروش، محصول شرایط تبلیغاتی است. اگر مرد هستند الان بیایند و یا همان سوپر استارهای شان یک فیلم بسازند. الان آن‌ها هم دیگر نمی‌فروشند. مردم تیزو واقعی به دیدن فیلم خوب دارند و این تیزها سبب شده تا پرده‌ها فرو بیفتد و دیگر مردم سلبریتی‌ها را یاور نکنند. سال‌ها مقلبان برای سلبریتی‌ها تبلیغ کردند، ولی از این به بعد اتفاق نخواهد افتاد؛ از این بابت اظهار نظری ندارم؛ ته می‌توانم بگویم خوش‌حالم و ته تاراحت، من شرایط روانی جامعه فعلی را یا جامعه قبل تحلیل می‌کنم. همان‌گونه که اشاره کردم از بازیگران حرفه‌ای استفاده نمی‌کنم و جذب بازیگران ما از میان علاقه‌مندان است که تمایل به بازی در فیلم دارند به دفتر فیلم‌سازی ما مراجعه می‌کنند. برای انتخاب بازیگران بالای ۵۰ نفر مراجعه کردند و از میان آن‌ها بازیگرانم انتخاب شدند. در خصوص بازیگران مشهدی هم در سفری که به مشهد داشتم از ۳۵۰ نفر تست گرفتم و بازیگران را برگزیدم. از میان آن‌ها بازیگران بسیار خوبی درآمدند؛ مثل آقای احمدریحانه که در فیلم‌های بزرگ سینمای ایران هم مانند او را دیدیم و خوش‌حال هستیم که در فیلم ما بازی کرد. همه هنرمندان مشهدی، هم به لحاظ اخلاقی و هم به لحاظ بازی خیلی خوب بودند و تعامل خوبی با هم در طول فیلم‌برداری داشتیم و راحت با آن‌ها کار کردیم.

علی‌برادری تهیه‌کننده فیلم بود، همین باعث شده عنوان بازیگر نقش اصلی در این فیلم بازی کند؟

ارزبایی‌تان از اکران فیلم، در این شرایط چه بود؟

واقعیت‌اش این است که ما راضی نبودیم فیلم اکران شود ولی راه دیگری نداشتیم چون ۲۰۰، ۳۰۰ فیلم و شاید هم بیشتر در تویت اکران قرار دارند و فیلم ما هم در گروه هنر و تجربه اکران می‌شود. به هر حال یرخلاف میل یاطنی‌مان فیلم در این زمان به اکران درآمد و ما هم آن را به قال تیک می‌گیریم.

اینده اولیه «اینان» از کجا آمد؟

به قستیوالی در مشهد دعوت شدم در آن جا توفیق زیارت آقا امام (رضاع) نصیب ما شد. روی سکویی در صحن نشستیم یوادم که جوانان خادم حرم قرش‌ها را از یک سو پهن و بعد از اقامه نماز دوباره جمع می‌کردند. سوالی در ذهنم به وجود آمد، که چرا قرش‌ها را پهن و از سوی دیگر جمع می‌کنند، از مسئول‌شان دلیلش را پرسیدم و گفت یک رسم است و پیشنهاد دادم قرش‌هایی در ابعاد کوچک داشته باشند تا زائران خودشان آن‌ها را پهن و بعد از اقامه نماز و دعا، جمع کنند و همین موضوع جرقه‌ای را در ذهنم ایجاد کرد تا قیلمی در این پاره بسازم. چند سال تلاش کردم و موفقیت نمی‌شد، تا این که ۲، ۳ سال پیش قرار شد مستندی بسازم و باید قرش پهن کن استثنایی را انتخاب می‌کردم، بعد از انتخاب همان فرد را از تهران به مشهد بردم، تا خادم‌ها را ببینم. به حرم آقا رفتیم تا پلان‌های تکی را ببینیم که بعد از برداشت پلان، کاراکتر قصه‌ام خسته کنار یکی از حوض‌های صحن نشست. او گفت همان‌گونه که نشستیم بودم چشمم ناگهان به دختری افتاد که جاتمازش را جمع کرد و ساعت طلایی او یا تگین‌های لباسش جاماند. دویدم به او پرسیدم که گمش کردم. فکر کردم این داستان می‌تواند مقدمه یک ازدواج باشد، و چه خوب می‌شود اگر با دختر ازدواج می‌کرد. شکل‌گیری یک عشق در حرم مطهر. برای عشق زمینی می‌توان گناه کرد ولی برای عشق آسمانی خیر، و کاراکتر قصه، اگر خادم است باید خیلی خالص باشد. این موضوع برایم تبدیل شد به یک قصه ایمانی. گونه‌های مختلف جامعه را به عنوان زائر در یک هتل دور هم در قصه‌ام جمع کردم تا تنوع تعبیر و تفسیر داشته باشم و بتوانم آن‌ها را به چالش بکشم.

قصه «اینان» چه پیلمی را منتقل می‌کند؟

من در قصه ۳۳ زائر را در یک هتل دور هم جمع کردم. نفر اول یلدش می‌فتد که گناهی کرده و بدهی فردی را داده است و طلبکار دنبالش است. قاتوتش این است که فردی که گناه کرده اول توبه کند و بعد به زیارت برود. به نظر من گناهکاران

خیر. اطلاعاتی از هنر بازیگری او نداشتم، پیشنهاد بازی در این نقش را خودم به ایشان دادم و هیچ فشاری روی من نبود. ۳، ۴ روز مدته به فیلم‌برداری از خودش قیلمی به من نشان داد که بازی خوبی داشت و گفت سابقه بازیگری هم دارد، از او خواستم برای «اینان» بازی کند، او تذریرقت اما من اصرار کردم. البته وقتی او بازی کرد کار ما سخت‌تر شد چون باید حواسش به همه چیز می‌بود.

برای تولید فیلم در خارج از پایتخت و در مشهد با چه چالش‌هایی مواجه شدید؟

فیلم‌برداری، در دوران کرونا بود و ۴ نفر از عوامل به ویروس کرونا دچار شدند، حتی بازیگری را به خاطر ایشلا به کرونا عوض کردم. خیلی اذیت شدیم و ۸ روز به فیلم‌برداری مان اضافه شد. در مجموع از نتیجه راضی بودم اگر چه اگر قشمار کرونا نبود